

شد. وقتی ساموئل خاچیکیان تکنیسین باسابقه و کهنه کار سینمای ایران در سال های ابتدایی دهه ۶۰ که کشور همچنان تحت تأثیر انقلاب و جنگ بود، تصمیم گرفت که بر اساس وضعیت موجود یک فیلم جذاب و گیرا بسازد که موفق هم شد.

این اکشن جنگی با حضور سعید راد، جمشید هاشم پور، شهاب عسکری و رضا رویگری همچنان یکی از رکوردداران بیشترین مخاطب در تاریخ سینمای ایران است.

در نیمه دوم دهه ۶۰، ابراهیم حاتمی کیا به عنوان یک استعداد شگرف از دل جریان فرهنگی انقلاب ظهور کرد و خیلی زود مورد توجه همگان قرار گرفت. او بعد از دو فیلم «هویت» و «دیده بان»، با «مهاجر» به تحسین و موفقیتی فراتر از انتظار در جشنواره فجر دست پیدا کرد و مورد توجه منتقدان قرار گرفت.

فیلم، داستان دو رزمنده را روایت می کند که در جریان یک عملیات شناسایی وظیفه هدایت و کنترل از راه دور دو هواپیمای بدون سرنشین را بر عهده دارند و در این راه با چالش های متعددی روبه رو می شوند.

فیلم های رسول ملاقلی پور حال دیگری را به مخاطب داد و جهان دیگری از دفاع مقدس و فیلم های جنگی را به روی مخاطب باز کرد. شاید عصاره و جانمایه تمام فیلم های ملاقلی پور در فیلم «مزرعه پدري» دیده می شود. جمع اضدادی از خشونت، جنگ، احساسات، شاعرانگی، روایت غیرمعمول و اعتراض که به نحو کارآمدی کنار هم نشسته اند.

دستاوردهای او چه در روایت، چه در اجرا و خلق لحظات و تصاویر منحصربه فرد است. از این جهت خیلی از منتقدان مزرعه پدري را بهترین اثر ملاقلی پور می دانند که در جشنواره و نمایش عمومی با بی مهری و بی توجهی مواجه شد که دلیل عمده آن هم می تواند همزمانی تقریبی ساخت و نمایش فیلم با «دوئل» باشد.

مهدی احمدی، آتیه فقیه نصیری و جمشید هاشم پور بازیگران اصلی فیلم هستند.

«دوئل» احمد رضا درویش، هیجان و پروداکشن جذابی را با خودش به سینماها آورد. حتی زمانی که به نمایش درآمد، با القاب و عناوینی همچون عظیم ترین پروژه سینمایی تاریخ ایران از فیلم یاد می شد که همچنان نیز با گذشت دو دهه، فیلم از نظر تکنیکی سرپا و در لحظاتی کاملاً تحسین برانگیز است.

برخلاف جنبه های ارزش گرایانه رایج در سینمای دفاع مقدس، دوئل تا حد ممکن تلاش می کند که به یک فیلم جنگی و حماسی نزدیک شود و در این راه از فرمول های رایج هالیوودی بهره می برد. اما ابعاد پروژه به اندازه ای بود که در ادامه کار برای احمد رضا درویش سخت شد و به سختی پروژه ای توجعش را جلب کرد.

ماجرایی درباره یک گاوصندوق در دوباره زمانی، سال های جنگ و ۲۰ سال بعد، که رازها و ناگفته های بسیاری به آن وابسته است. از جمله دیگر نکات جالب فیلم، وزنی است که بر دوش بازیگران جوان و تازه وارد آن زمان یعنی پژمان بازغی و کامبیز دیرباز قرار داده شده، آن هم در حضور چهره های سرشناس دیگری همچون سعید راد، پرویز پرستویی، پریش نظریه، انوشیروان ارجمند و هدیه تهرانی که نقش آفرینی کوتاهی دارد.

«روز سوم» هنوز هم به محض پخش از تلویزیون، مخاطبان خودش را دارد. فیلمی که محمدحسین لطیفی کارگردانش بعد از تماشای «دسته دختران» در جشنواره فیلم فجر امسال را یاد فیلم خودش «روز سوم» انداخت. فیلمی که در زمان اکران خودش، با استقبالی غیرمنتظره روبه رو شد و سیمرغ بلورین

بهترین کارگردانی را گرفت.

برخلاف رویه معمول فیلم های جنگی، روز سوم داستان خود را در میان آدم های معمولی درگیر جنگ و عموماً هم جوانان پیش می برد. به گونه ای که در حاشیه یک رویداد تاریخی شاهد روابطی چندگانه از عشق و نفرت میان شخصیت های اصلی باشیم. تولید سخت و فشرده فیلم در زبان خود با این هدف به سرانجام رسیدن بود که فیلم به هر طریقی برای نمایش در جشنواره فجر آماده شود، رویکردی که موجب شده تا کاستی های فنی فیلم در گذر زمان بیشتر به چشم بیاید.

داستان در ابتدای جنگ اتفاق می افتد و شاهد مقاومت مردمی در برابر تهاجم نیروهای عراقی هستیم که بسیاری از آن ها تا چندی پیش در همین شهر و کنار ساکنان بومی هم زیستی داشتند. احتمالاً با گذشت زمان ۱۵-۱۰ ساله تأثیر فیلم به مراتب باید کمتر شده باشد، با وجود این همچنان خالی از نکات قابل توجه نیست، مانند بازی حامد بهداد در نقش یک افسر عراقی عاشق پیشه و خشن که جزو نقاط برجسته در کارنامه بازیگری او به شمار می آید.

«ملکه» محمدعلی باشه آهنگر سال ۱۳۹۰ ساخته شد. او خودش را با فیلم هایی چون نبات، فرزند خاک، بیداری رؤیاها و سرو زیر آب به عنوان فیلمساز ضدجنگ در جریان دفاع مقدس جا انداخته. در این میان ملکه تنها فیلم اوست که مستقیماً به دل میدان جنگ می رود و به تبعات و بازماندگان این واقعه کاری ندارد.

احتمالاً عموم مخاطبان سینما کمتر از این فیلم متفاوت محمدعلی باشه آهنگر چیزی شنیده اند، چرا که در اکران عمومی با اقبال چندانی روبه رو نشد و رویکرد ضدجنگ آن هم واکنش های متفاوتی را در برداشت.

با وجود این یکی از تحسین شده ترین فیلم ها در تمام ادوار جشنواره فجر و سایر رویدادهای سینمای ایران است و در طراحی صحنه (عباس بلوندی)، موسیقی متن (حسین علیزاده) و فیلمبرداری (علیرضا زرین دست) به زمان خود فراتر از استانداردهای داخلی است.

قصه درباره سربازی است که موقعیت ویژه ای برای دیده بانی و تسلط بر مواضع نیروهای عراقی پیدا می کند اما این موقعیت موجب درک انسان تازه ای از انسان های دو سوی مرز می شود. ترکیب بازیگران فیلم هم که عموماً از میان تئاتری ها انتخاب شده بودند، امروز و با گذشت یک دهه به مراتب شهرت بیشتری پیدا کرده اند: میلاد کی مرام، حمیدرضا آذرنگ، مهدی سلطانی، مصطفی زمانی و هومن برق نورد هم در اولین گام های سینمایی خود حضور چشمگیری دارند.

«روزهای زندگی» پرویز شیخ طادی موفق ترین فیلم در کارنامه سینمایی او به شمار می رود که با تأثیرپذیری آشکار از ابراهیم حاتمی کیا وارد عرصه فیلم سازی شد و به مرور سراغ تجربیات مختلفی رفت.

قصه درباره یک زوج جراح در منطقه جنگی است که روزانه با رزمنده ها سروکار دارند، اما ناخواسته در موقعیتی قرار می گیرند که ناچار می شوند اسلحه به دست گیرند و در برابر نیروهای مهاجم مقاومت کنند.

مهم ترین و جذاب ترین عنصر فیلم شخصیتی است که حمید فرخ نژاد نقش آن را ایفا کرده؛ پزشک تلخ و در عین حال بامزه ای که بینایی اش را هم از دست می دهد. فیلم در جشنواره فجر با استقبال گسترده مواجه شد اما در میان عموم مخاطبان سینمای ایران چندان محبوب و ماندگار نیست که احتمالاً باید دلیل آن را در نحوه اکران و پخش فیلم جست و جو کرد.

زمانی که ابراهیم حاتمی کیا در سال های ابتدایی دهه ۹۰ پروژه «ج» را جلوی دوربین برد، بزرگترین پروژه سینمایی کارنامه اش را از نظر ابعاد و مختصات تولید تجربه می کرد، آن هم با سوزهای بحث برانگیز که چه در تولید و چه بعد از نمایش با واکنش های متفاوتی نسبت به متن و فرامتن ماجرا روبه رو شد.

فیلم داستان حضور دکتر چمران (بانقش آفرینی فریبرز عرب نیا) در بطن یک تحرک نظامی منطقه ای را روایت می کند و همه چیز در زمانی محدود اتفاق می افتد. با وجود اینکه فیلم تا حدود زیادی می تواند یک تریلر سیاسی و تاریخی تلقی شود، پیوند تماتیک آن با جنگ و ژانر جنگی غیرقابل انکار است.

هر چند که حاتمی کیا در ساخت فیلم حتی به الگوهای ژانر وسترن نیز نزدیک می شود. قرائت

جسورانه عمل می کند. علاوه بر ورود مهدویان به سینما، هادی حجازی فر هم پس از درخشش در این فیلم به ستاره ای پرکار تبدیل شد.

تنگه ابوقریب بهرام توکلی سال ۱۳۹۶ ساخته شد. این کارگردان که معمولاً با درام های تلخ و روشنفکرانه شناخته می شد، در تصمیمی غیرمنتظره به سراغ ساخت یک فیلم جنگی رفت تا شاید بیش از هر چیز توانایی و تسلط خود را در کارگردانی به رخ بکشد.

داستان درباره عملیاتی است که درست بعد از قطعنامه ۵۹۸ و در پاسخ به تجاوز ناگهانی و مجدد عراق صورت گرفت و بسیاری از سربازانی که می توانستند به خانه برگردند، دوباره به خط مقدم رفتند تا برای آخرین بار جلوی گلوله بایستند.

تنگه ابوقریب هر چند با واکنش های ضد و نقیض از سوی منتقدان مواجه شد، اما در اجرای صحنه های



”

**فیلم دوئل ماجرای دربار یک گاوصندوق در دوباره زمانی، سال های جنگ و ۲۰ سال بعد، که رازها و ناگفته های بسیاری به آن وابسته است. از جمله دیگر نکات جالب فیلم، وزنی است که بر دوش بازیگران جوان و تازه وارد آن زمان یعنی پژمان بازغی و کامبیز دیرباز قرار داده شده، آن هم در حضور چهره های سرشناس دیگری همچون سعید راد، پرویز پرستویی، پریش نظریه، انوشیروان ارجمند و هدیه تهرانی که نقش آفرینی کوتاهی دارد**

سخت و پیچیده ای که در میدان جنگ می رسد، در لحظاتی به یک دستاورد فنی و تکنیکی در سینمای ایران نزدیک می شود.

فیلم پُر از برداشت های بلند و جلوه های ویژه بصری و میدانی چندلایه است. حضور گرم و تأثیرگذار امیرجدیدی و جواد عزتی باعث شده که فراتر از اجرای صحنه های عظیم نبرد، فیلم حس گرما و انسانی هم پیدا کند.

آثار دیگری در این باره ساخته شد که می توان به نام هایی مثل «بلمی به سوی ساحل» رسول ملاقلی پور اشاره کرد که دومین ساخته وی در سال ۱۳۶۴ بود.

ملاقلی پور تجربه خود در فیلم قبلی را گسترش و ارتقا می دهد و در اجرا نیز به ساخت و پرداخت بهتری می رسد، با جزئیات روایی، امکانات فنی و بازیگران بیشتر. «پرواز در شب» در جشنواره فجر دوره پنجم با استقبال هیأت داوران مواجه می شود و در حضور «خانه دوست کجاست؟»، «ناخدا خورشید» و «آجاره نشین ها» جایزه بهترین فیلم را

حاتمی کیا از این واقعه تاریخی و تصویری که او از شخصیت دکتر چمران ارائه داده، واکنش هایی مثبت و منفی را در طیف های سیاسی مختلف کشور به همراه داشت.

محمدحسین مهدویان که پیش تر با سریال مستند «آخرین روزهای زمستان» نام خود را به عنوان یک استعداد میان علاقه مندان پیگیر سینما جا انداخته بود، همان تجربه فرمی و روایی را در ابعادی متفاوت به سینما آورد و داستان حاج احمد متوسلیان یکی از مهم ترین شخصیت های دوران دفاع مقدس را به شکلی غیرمنتظره روایت کرد.

فیلم در واقع یک مستندنما است که از صدای راویان واقعی برای شرح سرگذشت شخصیت اصلی و حضور او در عرصه جنگ استفاده می کند و تمام نماهای فیلم به طور کامل بازسازی شده اما فرم و ساختار بصری به گونه ای است که مستندهای مربوط به همان دوران را تداعی می کند. فیلم در قالب همین روایت به سراغ بخش های نادیده و ناگفته ای از جنگ ایران و عراق می رود و در لحظاتی کاملاً